

۲۰۴۱۱۰۸

لطفعلی خان زند

حسین مسرور

www.ketab.ir

انتشارات ذهن روشن

سرشناسه: مسرور، حسین، ۱۲۷۸ - ۱۳۳۲. عنوان و نام پدید آور: لطفعلی خان زند / حسین مسرور. مشخصات نشر: تهران: ذهن روشن، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص. شابک: ۰-۰۷-۶۸۷۶-۶۲۲-۹۷۸. وضعیت فهرستویی: فیبا. یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است. موضوع: زندیه - تاریخ ۵۲۹. داستان. موضوع: زندیه لطفعلیخان - تاریخ. مترجم. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ گ ۹/۸ DSR۲۳۶. رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۵۰۹۲. شماره کتابشناسی: ۵۴۹۵۱۶۹

لطفعلی خان زند

حسین مسرور

ناشر: انتشارات آریا اندیش

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

تولید: ۱۳۹۸

شابک: ۰-۰۷-۶۸۷۶-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

تهران: میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰

تلفن: ۶۶۴۸۹۰۳۷

پیشگفتار

ضمن مطالعه کتب تاریخی به نظر رسید سرنوشت لطفعلی خان زند آنطور که باید و شاید تشریح نگردیده زندگی او تا آن درجه مبهم و تاریک است که حتی عکسی از مبرده در دست نمی باشد لذا نگارنده بر آن شد این کتاب را به رشته تحریر درآورد.

این مجموعه سرگذشت و سرداری است که یکی در مردم داری و رؤفت و مهربانی در ردیف برجسته ترین شاهان بشمار می آید که بیشتر مورخین درباره او چنین اظهار نظر کرده اند که چنانچه در مقابل حریف زورمند خود توفیق می یافت ایران را به پایه ای آنچنان بلند می رساند که قایل قیاس با دوره قاجار نبود دیگری در آدم کشی و خونخواری نظیر و هم مانند نداشت و رای استقرار حکومت در خاندان خود انواع شکنجه های سخت و عقوبت های دردناک را درباره مردم اعمال می کرد و از جمع سرهای بریده مناره هایی می ساخت و از آنگشتن چشم ها حوض ها تشکیل می داد با این وجود عده ای از مورخین آقامحمدخان را از این همه ستمگری و خطا و خونریزی نظامی بزرگ می دانند و بر این عقیده اند که روزگار هرج و مرج آنروز به چنین مردی قسی القلب احتیاج داشت در این کتاب تلاش مطلب با خصوصیات خاندان زند و قاجار شروع شده صحنه های جنگ دو طایفه تا سرحد امکان به طور خلاصه و از هم تفکیک درج گردیده و ضمناً صدماتی که جامعه ایرانی بر اثر تجاوز و اعمال خلاف انسانی سربازان تحمل کرد در این مجموعه به اختصار ذکر شده است چنانچه در طی تاریخ مشاهده می شود بعضی از فرماندهان جهت اجرای فرامین خود به سربازان و عمل زیر دست خود اجازه هرگونه تجاوز و تعدی را داده اند و آثار و نتایج حاصله از این اجازه حتی پس از انقراض همان

فرماندهان نیز نمودار بوده است. سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم از همان ابتداء گاهگاهی مرکز تاخت و تاز اقوام وحشی بوده غالباً دستخوش زورگوئی و قتل و غارت گردیده روزگار پر آشوب فراوان داشته است منتهی در بعضی از ادوار تاریخ این تاخت و تازها و انقلابات مصادف با ظهور مردانی توانا و بلند همت چون نادر بوده که مدت زمانی کوتاه خرابیها و نابسمانی‌ها جای خود را به پیشرفت و ترقی و سربلندی داده است و گاهی این دگرگونی‌ها باعث انحطاط کشور و رسیدن به پرتگاه سقوط بوده است چنانچه در زمان پادشاهان قاجار در حدود یک سوم خاک ایران از دست رفت و دشمنان این آب و خاک هر وقت ضعف و ناتوانی حکمرانان را احساس کردند چنین موقعیتی را مغتنم شمرده و قسمتی از مملکت را مجزا ساختند تا جائی که ایران را به دو منطقه نفوذ خود تقسیم کردند اما در مدت پنجاه سالی که خاندان زند بر ایران حکومت کردند به استثناء سال‌های آخر که مصادف با قتل عام آقامحمدخان بود دوران اسایش و رفاه مردم بوده است کریم‌خان بنیان‌گذار این سلسله از افراد پائین ایران از قبایل بسار کوچکی است که تنها تبحر و کاردانی و شجاعت او سبب غلبه او بر دشمنان این سرزمین گردید این سردار بزرگ با اغماض و خطاها و خوش رفتاری‌ها کینه جویان خود سر بر سر مهر و محبت آورد از طرف دیگر همین مدارای با سرکشان و بوجود نیاوران تشکیلات منظم عواقب وخیم و تألمات ناگوار برای بازماندگانش به بار آورد خلاصه وضع آشفته بعد از کریم‌خانم درس عبرتی است برای برکنار ماندن آشوب و بلوا و جلوگیری از انجام گسیختگی اشخاص خودسر و پرهیز از بوجود آوردن یک فاجعه دردناک که سرانجام متوجه فرد فرد مردم شد.

به هر حال قرن دوازدهم هجری را می‌توان دوران هجوم ایلات به شهرها و هرج و مرج و اغتشاش دانست زیرا هر صاحب نفوذی که کوچکترین توانائی در خود می‌دید برای بدست آوردن تاج و تخت دست خود را به خون نزدیکان خود آلوده می‌کرد و چنین دورانی مصادف با آغاز سلطنت پر آشوب شاهزاده لطفعلیخان زند که او را مواجه با طغیان و یورش و قتل و غارت‌های خونین قاجار ساخت.

بوجود آمدن چنین وضعی در درجه اول معلول اختلافات خانمانسوز سران زند است که متأسفانه مردی توانا و با تجربه و بی غرض در میان آنها نبود تا از این نفاق‌ها و برادرکشی‌ها که متجرب به خاتمه وضع آنها گشت جلوگیری کند این وضع تا آنجا ادامه پیدا کرد که پس از اینکه عده‌ای از جوانان زند در پیش چشم‌های شرربار خان قاجار به هلاکت رسیده عده‌ای دیگر از ترس مجازات‌های وحشتناکی که در انتظارشان بود از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور سرگردان شدند و تنها سردار سرسخت لطفعلی خان در مقابل هجوم خوانین قاجار باقی ماند این جوان طی دوران نوجوانی و خوردهای خود حوادثی مخوف و پستی و بلندی‌ها را سناک را که هر لحظه ممکن بود به مرگش خاتمه پذیرد پشت سر گذاشت و با اراده‌ای قوی مافوق تصور بر شجاعت بی نظیر نتیجه حمله و یورش دشمنان را برای مدتی طولانی به تعویق انداخت و در میدان‌های نبرد چون طوفانی خروشان به قلب سپاه دشمن زد و دلاورانه جنگید و در پیای از سپاه را از هم گسیخت و همچنان جان بر کف نهاده در میان انبوه دشمن به ایستادگی و شتافت و از آنچه سرنوشت و تقدیر برایش تعیین کرده بود نهراسید.

این جوتن در بسیاری از خصائص سربازی و صفات نیکو با رقیبان خود فرق کلی داشت برتری او از لحاظ شجاعت و کاردانی بر دیگران پوشیده نیست تنها نقطه ضعف او نداشتن تجربه و نداشتن شخص معمر و دلسر بود چه شاهان بعد از او در هر گرفتاری و بحرانی از حمایت مردانی بزرگ نظیر قائم مقام و امیرکبیر برخوردار بودند ولی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز که تا اندازه‌ای با تجربه و صاحب نفوذ آن عصر بود این جوان را نه فقط تنها گذاشت بلکه در عالم دوستی به درهم کوبیدن اساس استقلال سلطنت او مشغول گشت و به دشمنان او پیوست و در آن روزگار سیاه با چنین خیانتی ستاره درخشان خاندان زند را در وحشت و تاریکی فرو برد علت مخالفت این شخص چنانچه به تفضیل خواهد آمد متکی بر یک امر بیهوده و واهی و در عین حال جزئی بود بهانه او چنین است که چرا قاتلان پدر خود را که من وساطت عفو آنان را کرده بودم به قتل رساندی سرانجام این خیانت به آنجا خاتمه

یافت که جوان زند مقطوع النسل شدن فرزند خردسالش را بدست دشمن شنید و سربازانی که برای تجاوز آماده کرده بودند تماشا کرد و آن لحظه‌ای که دو انگشت خونخوار قاجار برای نابینائی او به جلو صورتش نزدیک می‌شد نظاره کرد و منظوره صورت غرقه به خون خود را احساس نمود اما دیگر نتوانست آن خون را ببیند و تأسف او از آن جهت بود که در دم آخر نتوانست حتی مأمور قتل خود را بشناسد و بر چهره او نظاره کند این کتاب زندگی شجاعانه و تأسف بار رادمردی است که با عزت و سربلندی و ندادن تن به ذلت و خواری در عنوان جوانی یعنی بیست سالگی به زرد با انبوه بی‌پایان دشمن پرداخت و با کسب افتخاری بزرگ با جامه‌ای گلگون و صورتی غرقه بخون به اسارت درآمد و پس از تحمل ناراحتی‌ها و چشیدن جور و ستم‌های بیش از حد به شهادت رسید.

چگونگی جنگ‌های داورانه این سردار جوان که با دوهزار سپاهی در آن عصر به جنگ بیش از بیست هزار مرد دشمن رفت شاهد زنده‌ایست بر نبوغ نظامی او و از عجایب نیروی نظامی و تحلیلی برداری لطفعلی خان اینکه پس از هر پیروزی یا شکستی مجدداً مصمم‌تر پای به میان می‌گذاشت و با عزمی راسخ و اراده‌ای آهنین پای به رکاب می‌کرد و تا آخرین لحظه توانائی‌اش می‌جنگید منظره فجیع قتل او بدست بی‌رحم‌ترین اشخاص نه تنها در قلب عموم مردم آن زمان تأثیری عمیق و دلخراش داشت بلکه بی‌گمان در حال حاضر هم با خواندن این سرگذشت ممکن نیست شخص هر قدر هم بی‌احساس باشد از درجه از یادش نماند استگی و سرنوشت رقت باری که در سرتاسر دوران پرتلاش زندگی او بچشم می‌خورد دچار اندوه و ناراحتی نگردد.